

## ای جوانان و ای کسانی که تغییر به دست شماست؛ کمر همت ببندید و به میدان وارد شوید!

(ترجمه)

امروز تمام امید امت در سرزمین‌های اسلامی؛ به جنبش‌هاست؛ چون جنبش‌ها امروز در یک حالت نشاط و تحرک قرار دارند و همیشه مورد ستم، ظلم، آزار و اذیت رژیم‌های جنایتکار حاکم قرار می‌گیرند و این حکومت‌ها به کمک غرب توانستند جنبش‌ها و انقلاب‌های امت را مهار کنند. با این حال وضعیت اسفبار فعلی، هنوز در آرزوی تغییر واقعیت خود است و منتظر اولین جرقه‌ای جنبش واقعی است که این جنبش روزی فرا خواهد رسید و همه را از ذلت، ظلم و بدبختی نجات خواهد داد.

واقعیت امت قسمی می‌باشد که هنوز در بین‌شان برخی عقاید، مفاهیم و احساسات بر اساس اسلام می‌باشد و روح جمعی در آن متمرکز است. فساد و ناعدالتی حاکم در سرزمین‌های اسلامی، باعث به وجود آمدن فکر تغییر در اذهان امت اسلامی شده است. جوانان با مقاومت و نشان دادن احساسات‌شان در مقابل جبر و ظلم حکام؛ ثابت نمودند که نیروی کافی جهت تغییر را دارند؛ اگر این فکر و احساسات امت به حالت خودش گذاشته شود و از بین نرود به مرور زمان به یک فکر صحیح تبدیل شده و این فکر منتج به بیداری امت می‌شود و حالت‌شان را تغییر می‌دهد.

چند دهه قبل، حتا فکر کردن بخاطر تغییر به نظر عام و خاص بد شمرده می‌شد و برنامه‌های سیاسی بدیلی که احزاب و حرکات بخاطر تغییر حمل می‌کردند، صرف نظر از توانایی، صداقت و جذابیت‌شان رؤیایی غیر قابل تحقق در روی زمین بود. این تلاش‌ها در نظر مردمی که یأس را فهم و ناامیدی را درک کرده بودند، توهمی بیش نبوده و نسل‌هایی که بزرگ شده‌اند، واقعیت‌شان چنین است و مانند دختران بی‌شوهر خانه مانده در تحقیر و برده‌گی فرعون و سربازانش گیر کرده‌اند و امید تغییر این حالت را از دست داده‌اند. این یک واقعیت قوی سیاسی بخاطر تحول و یا تغییر است که انجام می‌دهند؛ اما در تاریخ به چنین موانع روبه‌رو نشده بودند؛ زیرا این موانع شبکه‌ای از باندهای محلی حاکم و ائتلافی از باندهای منطوقی است که منافع رژیم‌های حاکم در منطقه را تأمین می‌نمایند و این باندها؛ جز همکاری با وزراء و هم‌چنان همکاری در پروژه‌های سرکوب مردم و خاموش کردن صدای‌شان در هیچ کار دیگر موفق نبوده‌اند و از همکاری غربی‌ها به نظام‌های دیکتاتوری که منافع‌شان را حفظ می‌کنند بعید نیست.

بنابر این، جای تعجب هم نیست که اولین پیشتازان این انقلاب‌ها مربوط به نسل جوانی بوده که تازه چشم به زندگی گشوده بودند و باند حاکم نتوانستند بر روح این نسل نفوذ نمایند؛ لذا این نسل جوان زودتر از پدران خود به میدان پایین آمدند و فریادهای قهر، غضب و نپذیرفتن‌شان را سر می‌دادند.

این جنبش از طریق شبکه‌هاب الکترونیکی سریع‌تر از سرکوبگران و ارادل و اوباش‌های باند حاکم، به خیابان‌ها نفوذ کردند؛ درحالی‌که باند حاکم ده‌ها سال است برای سرکوب مردم و خاموشی صدای‌شان تلاش می‌نمایند. این حادثه در 25 ژانوی اتفاق افتاد؛ اما به دلیل وجود وحشیگری و استبداد نظام‌ها بار دیگر نیز جوانان بی‌زاری و نفرت خود را تکرار کردند و توانستند برای بار دوم سد ترس را بشکنند تا این‌که به رژیم‌ها ثابت سازند که به تصمیم‌های‌شان نمی‌توانند رضایت دهند. و شمارش روزهای حاکمیت رژیم محدود شده و این صبح را بزودی خواهیم دید.

و اگر مکث از آغاز دعوت اسلامی در مکه مکرمه و تا تأسیس دولت در مدینه و جامعه خودکفا آن وقت بیندازیم، در می‌یابیم که بیشتر کسانی که در تأسیس آن دولت نقش داشتند؛ جوانان بودند و عمرشان گاهی بین ده سال چون علی رضی الله عنه و هم‌چنان

عمر بلال بن رباح و عمار بن یاسر رضی الله عنهما به سی سال می‌رسید. این جوانان دعوت را روی شانه‌های خود حمل کردند و انتشار و وسعت دادند که در نتیجه پیروز شدند و تبدیل به یک نهاد منظم گردید که در واقع ارزش آن به هزارچند محسوب می‌گردد. چنان که قرآن کریم نسل جوان را ذُرِّیَّةً تعبیر نموده است و الله سبحانه و تعالی در حق کسانی که همراه با سیدنان موسی علیه السلام ایمان آورده‌اند، می‌فرماید:

﴿فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّكُمْ لَارْثُونَهَا﴾ [يونس: 83]

**ترجمه:** پس [آنان] به موسی ایمان نیاوردند؛ مگر گروهی از قومش [آن هم] با ترس از فرعون و سران‌شان که مبادا آنان را به بلا افکند و فرعون سرکشی در آن سرزمین بود و او از اسرافکاران بود.

چنانچه ذُرِّیَّةً در تفسیر ابن کثیر به معنی جوانان آمده است و در لغت‌نامه‌های زبان عربی: ذُرِّیَّة: نسل انسان و فرزندان آن آمده است. و نظر به این که جوانان در طول تاریخ با مظاهر فساد و استبداد مواجه بوده‌اند، به شکل عام مُمَثِّل قوت اراده در تغییر و ساخت و ساز هستند. طوری که مستبدین و مفسدین (فرعون و امثال او) حرص کامل بر قتل نوجوانان قبل از این که به مرحله جوانی برسند دارند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَدْخُبُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾. [قصص: 4]

**ترجمه:** بی‌گمان فرعون در آن سرزمین تکبر ورزید و مردمانش را گروه‌گروه کرد، گروهی از آنان را به استضعاف می‌کشید، پسران‌شان را سر می‌برید و دختران‌شان را زنده نگاه می‌داشت، بی‌گمان او از فسادکاران بود.

هم‌چنان اکثر کسانی که توسط رژیم‌های جنایتکار در سرزمین‌های مان متهم شده‌اند؛ با دستگیری، تصفیه، آزار و اذیت و هم‌چنان سرکوب و کشتار با آن‌ها تعامل شده است که همه‌شان از قشر جوانان بوده است. در معادله تغییر، نسل جوان عامل مهم محسوب می‌گردد که تکیه‌گاه اصلی تغییر روحی و منبع انرژی در رشد جامعه و فردای بهتر است. هم‌چنان این قشر هدف اول طرح‌های فساد و شرارت‌های رژیم‌ها قرار گرفته‌اند. و می‌خواهند با رام کردن، آواره نمودن و دور شدن‌شان از اسلام و هم‌چنان ترویج جهالت؛ آن‌ها را فریب و اغوا کنند.

پس عجیب نیست که امروز جوانان حواس‌پرت و حیران دیده می‌شوند که بعضی گوشه‌گیری و تنهای را اختیار کرده‌اند و تعدادی دیگری هم بعد از این که منحرف شدند ذوب افکار غیر اسلامی گردیدند و این منحرف شدگان با کسانی که علیه فساد و شرارت‌ها مقابله می‌کنند موقف تند می‌گیرند.

با وجود این که تا هنوز گردن جوانان به طرف تغییر خم می‌شود و به جستجوی بهتر از واقعیت تحمیل شده هستند. جنگ و جدال امروز بین رژیم‌ها و عوامل تغییر این است که جوانان را به صف خود وارد کنند؛ زیرا جوانان قدرت تغییر و عناصر سازنده آن‌ها هستند. به خاطر ویژه‌گی‌های ذیل جوانان نیروی تغییر و تحول جامعه شناخته می‌شوند:

1\_ جوانان بلندپروازترین قشر جامعه هستند و به این معنی است که روند تغییر آن‌ها در محدودیت‌های رژیم‌ها متوقف نمی‌شوند.

و حزب سیاسی که به دنبال تغییرات است باید استعداد جوانان را در رأس اولویت‌های کاری خود قرار دهد و آن‌ها را در جهت تغییر (جامعه) به کار گیرد.

2\_ جوانان بیشتر تغییرپذیر هستند. این حقیقت ویژه رهبری در عالم سیاست است که جهان متحرک و متغیر است که دائماً حامل چیزهای جدید است. لذا ما شاهد حرص نظام‌های شکست خورده هستیم که با استعداد جوانان بازی می‌کنند و تلاش دارند تا جوانان را در یک حلقه بسته بخاطر منافع مادی خاص که چشم‌ها را از دیدن واقعیت‌های جامعه می‌پوشانند و آن‌چه که برای جوانان لازم است که باید انجام دهند مانع می‌شوند.

3\_ لذت‌بردن و اشتیاق و نشاط در فکر و حرکت به نوعی انرژی فوق‌العاده‌ای به سمت پیشرفت است. جوانان مشتاق تفاعل با موضوعات سیاسی و تغییرات آن و هم‌چنان تفاعل با جامعه و نیازهای آن هستند که این تضمین‌کننده‌ای پیشرفت مداوم است. در حالی که جنبش‌های سیاسی این خلاقیت را ندارند و آن‌ها را تهدید به مرگ و یا حد اقل تهدید می‌کنند.

4\_ وقتی بدون رضایت و آگاهی جوانان؛ چیزی بخشیده شود.

5\_ جوانان قوت مهم جامعه و هم‌چنان بخش مهم در رهبری جامعه بشری هستند و به دست آوردن حزب سیاسی کوشا و جدی؛ جنگی است برای به دست آوردن تغییرات.

6\_ جوانی عنوان قوت و جوانمردی است، این دو ویژگی از اصلی‌ترین ملزومات کارهای سیاسی است. حزبی که جوانان را در صفوف خود قرار ندهد و با عناصر جوان و خون تازه عضویت خود را تجدید نکند با گذشت زمان به حزبی ضعیف و پیری مبدل خواهد شد.

درحالی‌که حزب جدید با خون جوانان در تمام بخش‌ها و سطوح رهبری تجدید می‌شود و جوانان تازه خود را حفظ می‌کنند و از آن‌جا که ما به شدت به یک تغییر بنیادی واقعی احتیاج داریم و نه شکلی که چهره‌ها تغییر کند و سیستم و نظام تغییر نکند و بر ما واجب است که از جوانان مراقبت کنیم؛ زیرا آن‌ها فرشتگان تغییر هستند. چنان‌چه بزرگ‌ترین دولتی که در تاریخ بشری شناخته شده است، به دوش جوانان بوده است و امروز هم این جوانان مثل آن‌ها هستند، جوانان به صفوف دعوت باید تغییر کنند تا این‌که بر شانه‌های خود دولت اسلامی را بار دوم هم به دوش بگیرند. دولتی که الله سبحانه و تعالی وعده آن را کرده است. چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: 55]

**ترجمه:** الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که بی‌شک آنان را در این سرزمین جانشین سازد، چنان‌که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین ساخت. و [آن] دین‌شان را که برای‌شان پسندیده است برای‌شان استوار دارد و برای‌شان پس از بیم‌شان ایمنی را جایگزین کند. [چرا که] مرا پرستش می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند. و کسانی که پس از این ناسپاسی کنند، اینانند که فاسق‌اند.

و هم‌چنان رسول الله ﷺ هم بشارت داده‌اند:

«تَكُونُ النَّبُوءَةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاضًا فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، ثُمَّ سَكَتَ»

نويسنده: حامد عبدالعزیز

مترجم: پارسا "امیدی"

3 سبتمبر 2020م